

... من باز می‌گویم که
قبول این مستله برای
من از زهر کشنده‌تر است؛
ولی راضی به رضای خدایم
و برای رضایت او این جرעה
را نوشیدم. و نکته‌ای که
تذکر آن لازم است
این است که در قبول
این قطعنامه فقط مسئولین
کشور ایران به اتکای خود
تصمیم گرفته‌اند. و کسی و
کشوری در این امر مداخله
نداشته است ...

مردم عزیز و شریف ایران،
من فرد شما را چون فرزندان
خویش می‌دانم. و شما می‌دانید
که من به شما عشق می‌ورزم؛
و شما را می‌شناسم؛

شما هم مرا می‌شناسید.

در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد
تکلیف الهی ام بود. شما می‌دانید که
من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین
قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛

اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود؛
و تنها به امید رحمت و رضای او از هر آنچه

گفتم گلشتم؛

و اگر آبرویی داشته‌ام با خدا معامله کرده‌ام.
عزیزانم،

شما می‌دانید که تلاش کرده‌ام
که راحتی خود را بر رضایت حق
و راحتی شما مقدم ندارم.
خداآندا،

تو می‌دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم.



پایان چنگ تحمیلی با قطعنامه تحمیلی

سیری در مواضع
حضرت امام خمینی(ره)
تا چند روز پیش از قبول قطعنامه

پاورقی:

- ۱- پیام رادیو- تلویزیونی به مناسبت تحويل سال نو، ۱ فروردین ۱۳۶۷، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۳
- ۲- پیام رادیو- تلویزیونی به مناسبت تحويل سال نو، ۱ فروردین ۱۳۶۷، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۵
- ۳- پیام به ملت ایران برای حفظ شئونات اسلامی و اخلاقی در تبلیغات کاندیداها، ۱۱ فروردین ۱۳۶۷، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۱۱
- ۴- پیام به نمایندگان مجلس شورا در افتتاح سومین دوره، ۷ خرداد ۱۳۶۷، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۵۲
- ۵- پیام به نمایندگان مجلس شورا در افتتاح سومین دوره، ۷ خرداد ۱۳۶۷، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۵۲
- ۶- انتصاب آقای هاشمی رفسنجانی به سمت جانشین فرماندهی کل قوا، ۱۲ خرداد ۱۳۶۷، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۵۶
- ۷- پیام تشکر به آقای منتظری (تسلیت سقوط هواپیمای مسافربری توسط امریکا)، ۱۳ تیر ۱۳۶۷، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۶۸
- ۸- پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه (قبول قطعنامه ۵۹۸)، ۲۹ تیر ۱۳۶۷، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۹۲
- ۹- پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه (قبول قطعنامه ۵۹۸)، ۲۹ تیر ۱۳۶۷، صحیفه امام، جلد ۲۱، صفحه ۷۵

سماهی‌الله حرم‌الله

مژده
فرهنگی
علمی
یاسر


۱۳



پایان‌جناگ‌تحمیلی
با قطعنامه‌تحمیلی
سیری در مواضع حضرت امام خمینی(ره)
تا چند روز پیش از قبول قطعنامه
۱۳۸۹ مرداد

مؤسسه فرهنگی عمار یاسر
www.ammaryaser.ir
info@ammaryaser.ir

«... من باز می‌گوییم که قبول این مسئله برای من از زهر کشنده‌تر است؛ ولی راضی به رضای خدایم و برای رضایت او این جرעה را نوشیدم. و نکته‌ای که تذکر آن لازم است این است که در قبول این قطعنامه فقط مسئولین کشور ایران به اتکای خود تصمیم گرفته‌اند. و کسی و کشوری در این امر مداخله نداشته است ... مردم عزیز و شریف ایران، من فرد فرد شما را چون فرزندان خویش می‌دانم. و شما می‌دانید که من به شما عشق می‌ورزم؛ و شما را می‌شناسم؛ شما هم مرا می‌شناسید. در شرایط کنونی آنچه موجب امر شد تکلیف الهی ام بود. شما می‌دانید که من با شما پیمان بسته بودم که تا آخرین قطره خون و آخرین نفس بجنگم؛ اما تصمیم امروز فقط برای تشخیص مصلحت بود؛ و تنها به امید رحمت و رضایت او از هر آنچه گذشتم؛ و اگر آبرویی داشتم با خدا معامله کرده‌ام. عزیزانم، شما می‌دانید که تلاش کرده‌ام که راحتی خود را بر رضایت حق و راحتی شما مقدم ندارم. خداوندا، تو می‌دانی که ما سر سازش با کفر را نداریم.»^۹

نتوان گفت که این قاله، وا می‌ماند
دانه و دام در این راه فراوان، اما
می‌رسیم آخر و افسانه و اماندن ما
بی‌صدایر ز سکوتیم، ولی گاه خروش
بروید ای دلتان نیمه که در شیوه ما

خسته و خفته از این خیل، جدا می‌ماند
مرغ دل سیر ز هر دام رها می‌ماند
همچو داغی به دل کور شما می‌ماند
نعره ماست که در گوش شما می‌ماند
مرد با هر چه ستم هر چه بلا، می‌ماند

زندگی رهبران دینی و الهی دریایی از حوادث و جریاناتی است که اگر با دیدهای سالم و غیرخاکی بدان‌ها نگریسته شود، در اعمق وظیفه‌شناسی، قله‌هایی از مظلومیت نیز نمودار می‌گردد. حوادثی که با نگاهی ناپاک و خاکی، یا موجب انکار می‌گردد یا لاقل موجب ابهام.

حضرت امام خمینی(ره) از چنین رهبرانی است که این‌گونه اتفاقات در حیات پر برگشته بسیار یافت می‌شود. در این نوشتار برآینیم که یکی از این امور در سال‌های پایانی عمر فرهنگی حضرت امام(ره) را صرفاً دنبال کنیم؛ «قبول قطع نامه». مسأله‌ای که امروزه به پیش‌بینی عمرانی یاسار

خود امام(ره) از سوی بی‌خبران از عوالم غیب و فلسفه شهادت، بارها مورد تشكیک قرار ۱

در قاموس خود امام(ره) به طور جدی بازخوانی کنیم تا روشن شود که بسیاری از جواب‌هایی که امروزه به آن داده می‌شود، در واقع جواب امام(ره) نیست، بلکه جواب تصویری

موهوم از امام(ره) است که در ذهن شخص پاسخ‌گو ترسیم شده‌است؛ جواب «عکس» امام. و شاید از همین روست که بسیاری از کسانی که حقیقتاً امامی می‌اندیشند همچنان در حسرت پاسخی درخور به این سوال می‌سوزند و چون سخن از جام زهر است نه جام عسل، نگران تکرار احتمالی تاریخ اند.

از خداوند متعال عاجزانه خواهانیم که ما را دیده‌ای پاک عنایت فرماید و «چشم بد» را از آن امام دل‌ها دور گرداند.

قطعنامه و آتش بس موافقت نمودم؛ و در مقطع کنونی آن را به مصلحت انقلاب و نظام می‌دانم. و خدا می‌داند که اگر نبود انگیزه‌ای که همه ما و عزت و اعتبار ما باید در مسیر مصلحت اسلام و مسلمین قربانی شود، هرگز راضی به این عمل نمی‌بودم و مرگ و شهادت برایم گواراتر بود. اما چاره چیست که همه باید به رضایت حق تعالی گردن نهیم. و مسلم ملت قهرمان و دلاور ایران نیز چنین بوده و خواهد بود.^۸

این کلام امام خمینی(ره) گویای این نکته است که اگر چه ذکر حوادث و عوامل پذیرش قطعنامه در آن زمان مصلحت نبوده است، اما این عوامل برای همیشه پنهان نخواهند ماند و قابل روشن شدن هستند.

آیا هنوز آینده روشنی که امام از آن دم می‌زند فرا نرسیده است؟!

اما سوال اساسی: «چرا امام قطع نامه را پذیرفت؟»

به این سؤال پاسخ‌های مختلفی داده شده‌است. مثل خستگی از نابسامانی‌های ناشی از جنگ، عدول و پایین آمدن از مواضع آرمان‌گرایانه سال‌های آغازین جنگ، تحریم‌های گوناگون، سرنگونی هواپیمای مسافربری ایران از سوی ناو آمریکایی (که شاید به معنای ورود رسمی آمریکا به جنگ با ایران بود) و اما نکته این جاست که این پاسخ‌ها گرچه زبان حال و قال بسیاری از مردم و حتی مسئولان در آن زمان بوده است (و متأسفانه بعضًا امروزه به حضرت امام(ره) هم نسبت داده می‌شود)، اما با مواضع صریح امام(ره) خصوصاً در همین سال، یعنی سال ۶۷، ناسازگار بوده و جامه‌ای است که قدری برای تن مبارک ایشان تنگ و ناموزون است. برای روشن شدن منطق فکری و مبارزاتی حضرت امام در این سال، سیری از فرمایشات ایشان را از عید سال ۶۷ با هم مرور می‌کنیم:

«موسى بن عمران چه کرد، در زندگی اش چه کرد، حضرت ابراهیم در زندگی اش چه کرد، تمام این‌ها قیام کردن در مقابل جور، در مقابل ظلم، همه، قیامشان این معنا بود. ما سر مشق باید بگیریم از این‌ها و ما باید قیام کنیم در مقابل ظلم؛ مسلمان‌ها باید در مقابل جورها، در مقابل ظلم‌ها، در مقابل منكرات قیام کنند، همان‌طوری که ملت شریف ایران بحمد الله قیام کرد و می‌شود گفت که این انقلاب که در این دعای شریف واقع شده است که «يا مقلب القلوب»، در جوان‌های ما واقع شده است؛ این‌ها الان برگشتند از یک حالی به حال دیگری و حال نوبی پیدا کرده‌اند. و در این ماه که ماه شعبان است باید ما توجه به این معنا بگنیم که ما باید چه بگنیم، با این طاغوت‌ها باید چه بگنیم؟ باید همان‌طوری که سید الشهداء -سلام الله عليه- تمام حیثیت خودش، جان خودش را و بچه‌هایش را، همه چیز را در صورتی که می‌دانست قضیه این‌طور می‌شود، کسی که فرمایشات ایشان را از وقتی که از مدینه بیرون آمدند و به مکه آمدند و از مکه آمدند بیرون حرف‌های ایشان را می‌شنود همه را، می‌بیند که ایشان متوجه بوده است که

وارد می‌کند. ... مردم شریف ایران نیز بداند که این روزها دست‌های ناپاک شرق و غرب برای هدم اسلام و مسلمین در یکدیگر گره خورده است، باید نگذاریم که تلاش فرزندان انقلابی‌مان در جبهه‌ها از بین برود. برای برپایی احکام اسلام عزیز دست اتحاد به یکدیگر داده، محکم و استوار تا پیروزی اسلام حرکت کنیم.

مسئولین نظام باید تمامی همّ خود را در خدمت جنگ صرف کنند. این روزها باید تلاش کنیم تا تحولی عظیم در تمامی مسائلی که مربوط به جنگ است به وجود آوریم.

باید همه برای جنگی تمام عیار علیه امریکا و اذناش به سوی جبهه رو کنیم. امروز تردید به هر شکلی خیانت به اسلام است، غفلت از مسائل جنگ، خیانت به رسول الله -صلی الله علیه و آله و سلم- است. این جانب جان ناقابل خود را به رزمندگان صحنه‌های نبرد، تقدیم می‌نمایم.^۷

پس به راستی چرا حضرت امام(ره) با این مواضع صریح و محکم به یک باره قطعنامه را پذیرفت؟ در این باره شاید فرازی از فرمایش خود امام(ره) در پیام به ملت ایران در سالگرد کشتار خونین مکه (قبول قطعنامه ۵۹۸) کارگشا باشد:

«... و اما در مورد قبول قطعنامه که حقیقتاً مسئله بسیار تلخ و ناگواری برای همه و خصوصاً برای من بود، این است که من تا چند روز قبل معتقد به همان شیوه دفاع و مواضع اعلام شده در جنگ بودم و مصلحت نظام و کشور و انقلاب را در اجرای آن می‌دیدم؛ ولی به واسطه حوادث و عواملی که از ذکر آن فعلًا خودداری می‌کنم، و به امید خداوند در آینده روشن خواهد شد و با توجه به نظر تمامی کارشناسان سیاسی و نظامی سطح بالای کشور، که من به تعهد و دلسوزی و صداقت آنان اعتماد دارم، با قبول

... و ما امروز مبتلای به این معنا هستیم، مسلمان‌ها مبتلای به این معنا هستند، مسلمان‌ها می‌بینند که این دولت‌های بزرگ، این قدرت‌های بزرگ و این کسانی که اذناب آنها هستند، کسانی که فرمان‌بر آن‌ها هستند الان با مسلمین، با مردم، با مستضعفین، حتی با آن کسانی که مال خودشان است چه می‌کنند. تمام این‌ها ظاهر می‌گویند که ما اقامه عدل می‌خواهیم بکنیم، اما چه عدلی؟ عدل امریکایی، عدل امریکایی یعنی چه؟ یعنی هر کس مؤسسه فرهنگی علمی پاسر منافع مملکتش را به ما داد ما او را قبول داریم! از آنور شوروی هم همین



است، همه این قدرت‌های بزرگ این‌طوری هستند و ما باید در مقابل تمام این‌ها بایستیم، همان‌طوری که جوان‌های ما بحمد الله الان در جبهه‌ها این ۳ پیروزیها را، این پیروزی‌های بزرگ را به دست آوردن، باید تا آخر این مطلب باشد، باید هیچ درش سستی نشود تا وقتی که إن شاء الله علم را به دست صاحب علم بدهنند. بنا بر این عید نوروز ما، یک عید نوروزی است که در یک وقته واقع شده است که حجت بر ماست و او این است که زندگی سید الشهدا، زندگی حضرت صاحب-سلام الله علیه- زندگی همه انبیای عالم، همه انبیا از اول، از آدم تا حالا همه‌شان این معنا

شاید به نظر برسد که سقوط هواپیمای مسافربری در تیر ماه ۶۷، امام خمینی(ره) را وادار به نوشیدن جام زهر نموده است. اما پیامی از امام در پی تشکر از پیام آقای منتظری، مبنی بر تسلیت این حادثه، کاملاً مخالف این گمانهزنی است و عزم امام(ره) را در فتح سنگرهای کلیدی جهان و «جنگی تمام عیار با آمریکا و اذناش»، بیش از پیش آشکار می‌سازد. پیامی بسیار مهم که مواضع شخصی امام را در یکی از آخرین بیاناتش، تنها شانزده روز، پیش از قطع نامه و پس از این جنایت، بسیار روشن بیان می‌کند:

«مردم شریف ایران باید توجه کنند که امروز، روز مبارزه و جنگیدن با تمام شیاطینی است که حقوق حقه تمامی پابرhenگان جهان را صرف عیش و نوش و تهیه سلاح‌هایی می‌نمایند که برای همیشه حاکم دنیای گرستگان باشند.

جنگ امروز ما، جنگ با عراق و اسرائیل نیست؛ جنگ ما، جنگ با عربستان و شیوخ خلیج فارس نیست؛ جنگ ما، جنگ با مصر و اردن و مراکش نیست؛ جنگ ما، جنگ با ابرقدرت‌های شرق و غرب نیست؛ جنگ ما، جنگ مکتب ماست علیه تمامی ظلم و جور؛ جنگ ما جنگ اسلام است مؤسسه فرهنگی عمران یاسر
علیه تمامی نابرابری‌های دنیای سرمایه‌داری و کمونیزم؛ جنگ ما جنگ پابرhenگی علیه خوش‌گذرانی‌های مرفهین و حاکمان بی‌درد کشورهای اسلامی است. این جنگ سلاح نمی‌شناسد، این جنگ محصور در مرز و بوم ۹ نیست، این جنگ، خانه و کاشانه و شکست و تلغی کمبود و فقر و گرسنگی نمی‌داند. این جنگ، جنگ اعتقاد است، جنگ ارزش‌های اعتقادی- انقلابی علیه دنیای کثیف زور و پول و خوش‌گذرانی است. جنگ ما، جنگ قداست، عزت و شرف و استقامت علیه نامردمی‌هاست.

رزم‌مندگان ما در دنیای پاک اعتقاد و در جهان ایمان تنفس می‌کنند و مسلمین جهان هم که می‌دانند جنگ بین استکبار و اسلام است، جهان خواران را آرام نخواهد گذاشت و ضربه‌های خود را بر همه کاخنشینان

بوده است که در مقابل جور، حکومت عدل را می‌خواستند درست کنند- حکومت- و مع الأسف به قدری به گوش ما خواندند، به قدری به گوش ملت ما خواندند، به گوش ملت‌های ضعیف خواندند که حکومت به شما چه کار دارد، شما برو نمازت را بخوان، شما مسجدت را برو، همین! البته، ما اگر فقط مسجد برویم و دعا بکنیم و بعد هم دعا به- عرض بکنم که- آن بزرگان چه بکنیم، همه با ما خوب می‌شوند! اما وظیفه این است که ما برویم مسجد بنشینیم دعا بخوانیم یا وظیفه این است که ما باید قیام بکنیم؟ وظیفه این است که ما همه باید همه چیز خودمان را در راه اسلام فدا بکنیم، چنان‌چه اولیای ما این کار را کردند. و امروز شما می‌بینید که این صدام را که بحمد الله سیلی خورده است و الآن محو این سیلی است، الآن نمی‌فهمد دارد چه می‌کند.»^۱

...

«من باید تشکر کنم از این ملت، این ملت شریف خودمان و خصوصاً از این کسانی که در جبهه‌ها مشغول هستند یا پشت جبهه‌ها مشغول به این هستند که آن‌ها را کمک کنند، ما باید تشکر کنیم از این‌ها و خصوصاً از این جوان‌هایی که همه چیزشان را در راه اسلام دادند. شما ملاحظه می‌کنید که اشخاصی می‌آیند اینجا، همه چیزشان را کانه دادند، مع ذلك می‌گویند کاش که ما یک بچه کوچکی که داریم بزرگ بشود، برو جنگ بکند، این‌ها حجت بر ما هست، این‌ها حجت بر آن اشخاصی هست که تو خانه نشستند و نق می‌زنند، تو خانه نشستند و به مردم تزریق می‌کنند که نه، نروید جایی؛ خدا ان شاء الله بیدار کند اینها را، خداوند ان شاء الله اشخاصی را که مخالفت می‌کنند یا از روی عمد یا از روی- عرض می‌کنم- نفهمی مخالفت می‌کنند، اینها را بیدار کند و اینها را در این سال نو تجدید کند.»^۲

«ملت شهیدپرور ایران بدانند این روزها روز امتحان الهی است. روز پر خاش علیه کسانی است که با اسلام کینه دیرینه دارند. روز انتقام از کفر و نفاق است. روز فدایکاری است. امروز روز عاشورای حسینی است. امروز ایران کربلاست، حسینیان آماده باشید. «جَهْزُوا أَنفُسَكُمْ بِالصَّلَاحِ وَالسَّلَاحِ». نهراسید. که نمی هراسید، کمربندهاتان را محکم کنید. ای آزادگان و احرار پا خیزید. قدرت‌های بزرگ شرق و غرب می خواهند شما را در زیر چکمه‌ها و چنگال‌های کثیف و خونین خود خرد کنند که حتی آخر هم نگویید. امروز روز مقاومت است. چنان بر صدام و امریکا و استکبار غرب سیلی زنید که برق آن چشممان استکبار شرق را کور کند. امروز روز درنگ نیست. امروز روز صیقل انسانیت انسان‌هاست. روز جنگ است. روز احراق حق است. و حق را باید گرفت. و انتظار آنکه جهان خواران ما را یاری کنند بی‌حاصل است. امروز روز حضور در حجله جهاد و شهادت و میدان نبرد است. روز نشاط عاشقان خداست. روز جشن و سرور عارفان الهی است.

امروز روز نغمه‌سرایی فرشتگان در ستایش انسان‌های مجاهد ماست.
درنگ امروز فردای اسارت‌باری را به دنبال دارد. امروز باید لباس محبت عمار
دنیا را از تن بیرون نمود، و زره جهاد و مقاومت پوشید، و در افق طلیعه
یاسر فجر تا ظهر شمس به پیش تاخت و ضامن بقای خون شهیدان بود.

فرزندانم، دشمن در بمباران شیمیایی مناطق مسکونی نهایت قساوت و درندگی خود را نشان داده است؛ و با حمله شیمیایی به مردم بی‌دفاع عراق حتی پایه‌های حمایت حامیان خود را نیز سست نموده است. به سوی جبهه‌ها هجوم برید تا ضربات پی در پی شما توان و امان او را بگیرد، که ان شاء الله پیروز خواهد شد. و السلام على عباد الله الصالحين.»^۵

صحیح ادارات و سازمانهای مربوط و پشتیبانی‌کننده در هماهنگی نیروهای مسلح نقش اساسی را دارا خواهند بود.

۳- تمرکز صنایع نظامی و تهیه ما يحتاج دفاع مقدس‌مان و انسجام امکانات تعمیراتی، پشتیبانی، فنی، مهندسی، رزمی، آموزشی و تحقیقاتی و نیز بسیج همه امکانات و ابزار در جهت اهداف مشخص از سوی فرماندهی کل.

۴- سعی در استفاده هر چه بهتر از امکانات و نیروها؛ و جلوگیری از به کار گرفتن امکانات مادی و معنوی در غیر موارد ضروری. و در همین راستا، حذف یا ادغام سازمانها و تشکیلات تکراری و غیر ضروری.

۵- تمرکز امور تبلیغی و فرهنگی نیروهای مسلح در تعامل زمینه‌ها.

۶- استفاده درست و قاطع از قوانین دادگاه نظامی در زمان جنگ و تنبیه متخالف در هر رده.

۷- بهره‌برداری صحیح از کمکهای مردمی در تمامی زمینه‌ها. قوای مقنه و اجراییه و قضاییه موظفند تمامی امکانات و سیاستهای خود را در جهت نیازهای جنگ به کار گیرند.

از مردم عزیز ایران و نیروهای نظامی و انتظامی می‌خواهم تا با صبر و شکیبایی انقلابی و با قدرت و استقامت در مقابل توطئه‌های استکبار جهانی ایستادگی نمایند؛ و مطمئن باشند که پیروزی از آن صابران است. جهان امروز غرق در نامردیها و حیله‌های است؛ و شما یاران اسلام در اوج قداست و شرافت می‌باشید. من به همه شما دعا می‌کنم، خداوند یار و پشتیبان مبارزان راه خدا باد. توفیق جنابعالی را از خدای تعالی مسأله دارم. و السلام عليکم و رحمة الله.

روح الله الموسوي الخميني»^۶

سخنرانی ۲۰ آذر (۶۳) می باشد. فریادی که در ۱۱۲ ام خرداد ۶۷ هنگام انتصاب آقای هاشمی به سمت جانشینی فرماندهی کل قوا، به شدت طینی انداز است:

«[آقای خامنه‌ای، رئیس جمهور، طی نامه‌ای به محضر امام خمینی اعلام داشت:
... پیشنهاد مشخص این جانب که قبلاً نیز کتاباً و شفاهماً معروض گردیده، این است که:
۱- کلیه امور مربوط به نیروهای مسلح، ارتش، سپاه، راندارمری اعم از عملیات،
پشتیبانی، امور سازمانی و اداری و غیره به شخص واحدی مفوض و محول گردد.
۲- شخص مذبور از سوی حضرت عالی موظف گردد که امور را از نزدیک و با
قطعیت تمشیت کند.

۳- دادگاه نیروهای مسلح موظف گردد که در تعقیب قضایی متهمین و اجرای
محکومیتها به طور کامل از نظر و دستور وی تعییت کند. با توجه به همه جوانب، به نظر
این جانب، تنها فرد مناسب برای تصدی این مسئولیت مهم، جناب آقای هاشمی رفسنجانی
است.

امام خمینی در پاسخ چنین مرقوم فرمودند]:

بسم الله الرحمن الرحيم

جناب حجت الاسلام آقای حاج شیخ علی اکبر هاشمی رفسنجانی - مؤسس
فرهنگی
علمی
یاسار

دامت افاضاته
با توجه به درگیری رویارویی امریکای جهانخوار علیه اسلام و ایران و
همانگی غرب و شرق و ارتیاج منطقه در مبارزه با انقلاب اسلامی و

۷
جلوگیری از پیروزی اسلام، به پیشنهاد رئیس جمهور محترم، جناب حجت
الاسلام آقای خامنه‌ای - دامت افاضاته جنابعالی را با تمام اختیارات به
جانشینی فرماندهی کل قوا منصوب می‌نمایم. و جنابعالی موظف به اجرای
دستورات ذیل می‌باشد:

۱- ایجاد ستاد فرماندهی کل تا تهیه زمینه وحدت کامل
۲- همانگی کامل ارتش، سپاه، بسیج و نیروهای انتظامی در تمامی
زمینه‌های دفاع مقدس اسلام. بدیهی است انسجام و ادغام مورد قبول و

«مردم عزیز ایران بعد از فراغت از انتخابات همچون گذشته به پشتیبانی
مادی و معنوی خود از جبهه‌های نبرد و رزمندگان ادامه دهند و سپاهیان نور
را حمایت نمایند و همه آنان و رزمندگان عزیز بدانند که در هر صورت
پیروزی با ماست و ما به این مسئله با تمام وجود معتقدیم و از آغاز جنگ تا
کنون بارها عنایات حق را دیده‌ایم. و ملت بزرگ ایران مطمئن باشند که از
آن روزی که در این راه مقدس قدم نهاده‌اند، چیزی را از دست نداده‌اند که
نگران حادثه باشند و ضرری نکرده‌اند که از آن احساس غبن و پشیمانی
کنند؛ همه سرمایه‌های آنان در پیشگاه مقدس حق تعالی باقی مانده است.»
...

«رزمندگان عزیز و دلاور ما اعم از ارتش و سپاه و بسیج با تکیه بر
ایمان و سلاح و امید به نصرت حق و با حمایت بی‌شائبه مردم، به نبرد و
دفاع مقدس خود ادامه دهند و عزمها را جزم کنند و بر دشمن زبون بتازند و
با همت خود افتخار نصرت و پیروزی را به ارمغان آورند که سرنوشت
جنگ در جبهه‌ها رقم می‌خورد، نه در میدان مذاکره‌ها. و به یاری خداوند و
دعای خیر حضرت بقیة الله - ارواحنا فداء - حرف آخر مان را با صدامیان و
جهانخواران در صحنه حماسه جهاد و شهادت می‌زنیم و از خداوند نیز صبر
و مدد می‌طلیم. خداوند یار و ناصر مجاهدان و رزمندگان ما باد.»^۵



همان‌طور که ملاحظه می‌شود دیدگاه حضرت امام(ره) تا اندکی پیش از قطعنامه،
هم‌چنان «رقم خوردن سرنوشت جنگ در جبهه‌ها و نه در میدان مذاکره‌ها» است؛ و بالاتر از
آن به صدام هم اکتفا نکرده، خواستار سیلی زدن به آمریکا و استکبار غرب و شرق بوده و در
«افق طلیعه فجر» به دنبال پیش‌تازی «تا ظهور شمس» است.

لذا به نظر می‌رسد حضرت امام(ره) ذره‌ای از مواضع استراتژیک خود نسبت به سال‌های
قبل عقب نشینی نکرده و هم‌چنان فریادگر «استمرار مبارزه تا رفع فتنه از عالم» (عنوان